

ارائه الگوی راهبردی حفظ و ارتقاء هویت اسلامی ایرانی از طریق تدوین تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی

علیرضا پیروزمند^۱، عباس چهاردولی^۲، رضا خدایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۴

چکیده

مسئله‌ی اصلی این پژوهش نبود الگوی راهبردی در حوزه‌ی حفظ و ارتقای هویت اسلامی ایرانی، و هدف اصلی آن دستیابی به الگوی راهبردی حفظ و ارتقای هویت اسلامی ایرانی می‌باشد. در این پژوهش، محقق با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی، تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا در بیانات ولایت فقیه و تحلیل تفسیری در قانون اساسی توانسته است محورهای سه‌گانه راهبردی را از بیانات ولایت فقیه استخراج و پس از استانداردسازی، در قالب پرسشنامه محقق‌ساخته از جامعه نمونه خبرگی مورد پرسش و ارزشیابی قرار دهد. یافته‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده و شدت ارتباط محورهای راهبردی در ابعاد چهار گانه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با مفاهیم (مولفه‌ها و شاخص‌ها) مورد سنجش قرار گرفته است. میانگین اهمیت و تاثیر مولفه‌ها و شاخص‌ها در وضعیت فعلی و آتی در جدول تحلیل شکاف تجزیه و تحلیل شده و توصیه‌های راهبردی ارائه گردیده است. با استفاده از روش داده‌بنیاد نسبت به احصاء و تدوین پنج نظریه محوری از داده‌های حاصله از بیانات ولایت فقیه به عنوان ارکان جهت‌ساز برای رسیدن به الگو اقدام و در پایان الگوی راهبردی حفظ و ارتقاء هویت اسلامی-ایرانی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: هویت، گفتمان ولایت فقیه، رویکرد قانون اساسی، الگوی راهبردی

۱- دانشیار و عضو هیات علمی مرکز پژوهشی روش علوم و تحقیقات اسلامی

۲- استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

۳- دانش آموخته دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول R_K43@yahoo.com

مقدمه

هویت واژه چترگونه‌ای است که در تمامی رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی برای درک فرد از خود به عنوان یک موجود مشخص و مجزا کاربرد پیدا می‌کند. مفهوم هویت به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، توجهی خاص را در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به خود جلب کرده است. از دیدگاه احمد اشرف، مفهوم هویت ایرانی در نهضت‌های قومی، سیاسی و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت و در دوران اسلامی با فراز و نشیب‌هایی پایدار ماند و در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت هویت ملی ایرانی متجلی شد. هویت ایرانی به علت موقعیت خاص جغرافیایی از سه حوزه تمدنی ایرانی، اسلامی و غربی تاثیر پذیرفته است (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۲). ایران در منطقه خاورمیانه پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلفی چون هند، مصر، بابل، یونان و روم بوده است. از همین رو در طول تاریخ کهن، این سرزمین شاهد تحولات سیاسی، دینی و نظامی بسیار بوده است که در تعیین هویت ایرانی و تحول آن نقشی اساسی را ایفا کرده‌اند. از این میان گسترش اسلام در ایران و برخورد کشور ما با اندیشه‌های جدید غربی در تحول هویت ملی، بیشترین تاثیر را داشته است (قربانی، ۱۳۸۳: ۶۹). اکثریت مردم ایران از زمان صفویه به بعد شیعه شدند. حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدن‌شان یک چیز است، ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گم‌گشته خود را در اسلام یافت. مردم ایران که طبعاً مردمی باهوش بودند و افزون بر این، سابقه فرهنگ و تمدن داشتند بیش از هر ملت دیگر نسبت به اسلام شیفتگی نشان دادند و به آن خدمت کردند. بهترین مثال ادبیات فارسی است. هرچه زمان گذشته است تاثیر اسلام و قرآن و حدیث در ادبیات فارسی بیشتر شده است. نفوذ اسلام در آثار ادبا و شعرا و حتی حاکمان قرون ششم و هفتم به بعد بیشتر و مشهودتر است. (مطهری، ۱۳۶۸: ۹۳)

هویت اسلامی به مفهوم پای‌بندی نظری و عملی فرد به اسلام و عضویت و مشارکت در گروه و برنامه‌های اسلامی و رعایت مقررات و احکام اسلامی و تلاش عملی برای فراگیری اسلام می‌باشد (کوشکی، ۱۳۹۱: ۴)، ولی تجربه نمودن و پافشاری بر آزادی با تأکید بر ارزش‌های اسلامی موجب برانگیختن استکبار جهانی در مقابله و تهاجم به جمهوری اسلامی ایران گردید. دامن زدن به فرهنگ مصرف‌گرایی، اشاعه نوگرایی^۱، تقابل با معنویت‌گرایی، اتخاذ تحریم‌های اقتصادی و تلاش در جهت ایجاد گسست‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و فکری از جمله بیم‌هایی بوده است که روند حرکتی احیای هویت اسلامی را تهدید نموده است. نداشتن الگوی راهبردی در حوزه‌ی

هویت اسلامی ایرانی، ضعف در تبیین و تدوین مناسب نقش و جایگاه هویت ملی و هویت دینی از دغدغه‌های این تحقیق بوده است و در نهایت، به نظر می‌رسد مساله اصلی فقدان وجود الگوی مناسب هویت اسلامی ایرانی است، الگویی که توانایی تبیین مطالعات هویت اسلامی - ایرانی را داشته باشد.

برخی از اهمیت تحقیق با رویکرد ایجابی به این شرح است: مستندسازی و تدوین تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی - امکان ارائه الگوی مناسب در راستای ارتقای هویت اسلامی ایران - امکان کادرسازی مدیران راهبردی با تکیه بر محور هویت دینی و ملی و قابلیت تبیین محورها و رویکردهای قانون اساسی و اسناد بالا دستی. مهم‌ترین ضرورت‌های تحقیق با رویکرد سلبی به شرح زیر بیان می‌شوند:

کاهش انسجام و وحدت ملی در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه، عدم امکان دستیابی به هم‌افزایی ملی، ضعف در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در حوزه هویت، بلاتکلیفی در هویت دینی و ملی و امکان بروز بحران هویت و ایجاد گسست‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه از پیامدهای عدم انجام تحقیق محسوب می‌گردد.

دستیابی به الگوی راهبردی حفظ و ارتقای هویت اسلامی ایرانی از طریق تدوین تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی هدف اصلی این تحقیق می‌باشد و اهداف فرعی آن عبارتند از:

۱) تبیین گفتمان ولایت فقیه "حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)" در زمینه هویت اسلامی - ایرانی ۲) استخراج محورها و رویکردهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی ۳) مستندسازی تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی براساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۴) تعیین اهم ابعاد، مولفه‌ها، شاخص‌ها و روابط بین آن‌ها در الگوی راهبردی حفظ و ارتقاء هویت اسلامی - ایرانی بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی.

سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از: الگوی راهبردی حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

متغیرهای تحقیق: متغیر مستقل: تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران، گفتمان ولایت فقیه و

رویکرد قانون اساسی در حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی و متغیر وابسته: الگوی راهبردی حفظ و ارتقاء

در این تحقیق به علت استفاده از روش نظریه‌مبنایی (گراند‌تئوری) فرضیه‌ای ارائه نمی‌گردد. **جامعه آماری تحقیق:** (ویژگی‌ها و حجم) جامعه آماری این تحقیق به لحاظ راهبردی بودن هویت اسلامی - ایرانی با تدوین تجارب خبرگان، صاحب‌نظران و مسوولین در سیاست‌گذاری و مدیریت کلان منحصر گردیده و تا اشباع نظری، به روش هدفمند، مطالعه میدانی با فرض قابلیت دسترسی و دارای صفات و ویژگی‌های مشترک انجام می‌گردد. نمونه‌گیری به صورت اشباع نظری و به لحاظ کمی حد اکثر ۴۵ نفر است. روش‌های گردآوری شامل دو روش کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه، استفاده از سوابق مصاحبه‌های انجام شده، فیش برداری از متون (بیانات امام خمینی (رحمت الله علیه) و امام خامنه‌ای (مدظله العالی)) در قالب فرمایشات مندرج مکتوب، نوشتاری، شنیداری و دیداری، کتاب‌ها، رساله‌ها، مقالات علمی، نرم افزارها، لوح‌های فشرده، سایت‌های اینترنتی و متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بالا دستی می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بخش اول: مفهوم شناسی هویت

بحث پیرامون مفهوم هویت^۱، نظریه‌های گوناگون درباره آن، انواع هویت و رابطه‌ی میان آن‌ها و سرانجام اصالت هویت و فرآیند ساخته‌شدن آن امروز از مباحث مهم علوم اجتماعی است و در رشته‌های گوناگون نظیر جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از آن بهره برداری می‌شود. با این همه پیشینه‌ی آن به عنوان یک موضوع بحث در علوم اجتماعی چندان زیاد نیست. در واقع می‌توان گفت که بحث هویت بیشتر در قرن بیستم وارد مباحث علوم اجتماعی شد و نه پیش از آن. این در حالی است که واژه‌ی هویت دارای تاریخی طولانی است و از ریشه‌ی لاتین *idem* به معنای همان بودن^۲ و تداوم برگرفته می‌شود. در کنار واژه‌ی هویت که واژگان اصلی بحث است واژه‌های فراوان دیگری وجود دارند که هر یک به نوعی برای معنا بخشیدن به هویت و روشن ساختن تعریف آن در رهیافت‌های گوناگون رشته‌های علوم اجتماعی و

1- Identity
1- Semen

روانشناسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. «هویت به معنی کیستی و چه کسی بودن است این مفهوم از نیاز طبیعی انسان به شناخته و معرفی شدن سرچشمه می‌گیرد. به دیگر سخن، هویت تعریف فرد یا گروه از خود و کیستی خود در مقابل دیگری است (معظم پور ۱۳۸۶: ۹۳). فرد یا گروه می‌خواهد کیستی خود را دریابد و از آن طریق، نوعی هماهنگی و انسجام در شخصیت خویش فراهم آورد و از لحاظ رفتاری و روانی موضع خود را در زمان و مکان روشن نماید (شیخاوندی، ۱۳۶۸: ۱۵).

در تعریف هویت یکی از متغیرهایی که لازمهٔ اساسی آن است، «غیر» می‌باشد. هویت را نمی‌توان تعریف کرد مگر اینکه تعریف و حدود «غیر» مشخص شود و این «غیر» عبارت است از جامعهٔ دیگر، طرز تفکرهای مختلف و نقش‌های جدیدی که سازنده‌های هویت او هستند. لذا در تعریف دیگری از هویت گفته می‌شود که هویت پدیده‌ای ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه هویت به مثابهٔ یک پدیدهٔ سیال و چندوجهی، حاصل فرآیند مستمر تاریخی است که تحت تاثیر شرایط محیطی، همواره در حال تغییر است (قربانی، ۱۳۸۳: ۶۵). در مجموع می‌توان هویت را معانی ذهنی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک «خود» فردی یا اجتماعی و احساس تعلق و تعهد نسبت به آن خود دانست (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۳).

در تبیین مفهوم هویت دو رویکرد را می‌توان بیان کرد:

- ۱) دیدگاه جوهرگرا: دیدگاهی است که به مسأله هویت به شکل جوهری نگاه می‌کند یعنی برای هویت یک وجه طبیعی قائل است و به دنبال پیدا کردن ریشه‌های طبیعی و جوهری هویت است.
- ۲) دیدگاه سازه‌گرا: که به تازگی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و در دنیای غرب جزء نظرات حاکم در مورد هویت است، هویت را بیشتر به عنوان یک شالوده یا سازه اجتماعی در نظر می‌گیرد و تأکیدش بر این است که هویت جنبه ذهنی دارد نه طبیعی. یعنی ساخته‌شده ذهن بشر است. بر این مبنا، هویت‌ها در جریان مراودات و آمیزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرند نه اینکه از قبل به صورت بسته بندی شده وجود داشته باشد. (معینی علمداری ۱۳۸۳: ۴۴)

تاریخچه هویت و هویت ملی در ایران

مشهور است که از زمان اشکانیان بذر هویت اصیل ایرانی پاشیده شد (تاجیک، ۱۳۷۸: ۳۷) و سپس در دوران قبل از اسلام، ساسانیان همگام با تأسیس نوعی دولت ملی و افزودن سلسله‌ای از اساطیر و پادشاهان افسانه‌ای به آن با هدف تقویت قدمت آن دولت، هویت‌آفرینی را به انجام رساندند

(اشرف، ۱۳۸۳:۱۳۶) زبان فارسی هم که در روزگار ساسانی، پهلوی خوانده می‌شد، با وام‌گیری از زبان پارت‌ها زبان ملی ایرانیان شد (ساکت، ۱۳۸۳:۲۰۲) و در خدمت تحکیم هویت ایرانی قرار گرفت. در پی فروپاشی حکومت ساسانیان در اثر فساد و ناکارآمدی داخلی، و ورود فاتحانه‌ی اسلام به ایران، فرهنگ‌های سامی و ایرانی با یکدیگر تلاقی نمودند. فرهنگ سامی محملی از آیین جدید، اسلام را همراه داشت؛ بدین ترتیب، در قرون اولیه‌ی حکومت اسلامی، هویت ایرانی از دو آیین مایه گرفت: آیینی از گذشته‌ی باستانی خود که آمیزه‌ای از ادبیات، فرهنگ و روح ایرانی بوده و دین جدید که دگرگونی ژرفی در اندیشه، فرهنگ و هویت ایرانی پدید آورد. این آمیزه‌ی جدید، نسل تازه‌ای ساخت که ایرانی بودن را در عمق روح خود نگاه داشت و دین جدید را در درونی‌ترین لایه‌های خود پذیرا شد. به این ترتیب با ورود اسلام به ایران به تدریج شاهد شکل‌گیری یک هویت اختلاطی ایرانی - اسلامی هستیم که در ادوار بعد عناصری دیگر نیز بدان افزوده می‌شود، در این دوران، تصوره‌های اسطوره‌ای ایرانیان قبل از اسلام از زمان و مکان با باورهای اسلامی درآمیخت، اندیشمندان ایرانی در سال‌های آغازین ورود اسلام به ایران، بزرگ‌ترین نقش را در تأسیس فرهنگ، تمدن و هویت اسلامی ایفا نمودند؛ بنابراین شیوه‌های تفکر اسلامی از فرهنگ ایران سیراب شد، و در مقابل بر آن تأثیر نهاد، تا آنجا که شهید مطهری در نقد گفتمان رسمی حکومت پهلوی که بر ماهیت متعارض دو بعد اسلامی بودن و ایرانی بودن تأکید می‌کرد، این دو بعد را به صورت متقابل در خدمت یکدیگر دانست و اذعان داشت که عناصر ایرانی و اسلامی که به مثابه‌ی دو روی سکه‌ی هویت ایرانی در حالت تألیف و سازواری با یکدیگرند، بدون آنکه از سلطه‌ی یکی بر دیگری سخن به میان آید (نظری و سازمند ۱۳۸۷:۱۰۲).

گونه‌شناسی و سطوح هویت

هویت درجات و انواع گوناگون دارد و به تناسب پدیده‌هایی که انسان از طریق آن‌ها خود را می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند، می‌توان هویت داشت. برخی از این هویت‌ها شناخته‌شده‌تر هستند و روی هم رفته هویت‌های کلان را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر از هویت می‌توان به عنوان پیشوند پدیده‌هایی چون فرهنگ، قومیت، ملیت، دین، محل سکونت، رشته آموزشی، ایل، طایفه و محله و نظایر آن استفاده کرد. اما در این میان برخی بیشتر شناخته شده هستند و پیرامون آن‌ها بحث‌های زیادی صورت گرفته است. از آن میان می‌توان به هویت فرهنگی، هویت دینی، هویت ملی و هویت قومی اشاره کرد. (احمدی، ۱۳۹۰:۶۰)

هویت فرهنگی

آلفرد کروب^۱ در سال ۱۹۸۴ در کتاب معروف خود موسوم به "انسان‌شناسی" فرهنگ را این چنین تعریف می‌کند: "انبوه واکنش‌های حرکتی اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها و ارزش‌ها و رفتار ناشی از آن‌ها همگی آن چیزی هستند که فرهنگ را تشکیل می‌دهند (به نقل از هریس 1980:279) بعدها کروب اظهار می‌دارد که اندیشه‌ها و ارزش‌ها هسته‌ی اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهند. اهمیت پدیده‌ی هویت فرهنگی تا بدانجا مورد توجه قرار گرفته که چهره‌های معتبر و اندیشه‌پردازان "استراتژی جهانی" چون "هانتینگتون"^۲ اساس رودرویی‌های جهانی را در آینده بر عامل فرهنگی استوار دانسته و نظریه رودرویی تمدن‌های عمده را عنوان می‌سازند. (ورجاوند، ۱۳۷۸:۶۸)

هویت ملی^۳

بر اساس طبقه‌بندی سه‌گانه از هویت یعنی هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت ملی، عالی‌ترین سطح هویتی برای هر فرد بشری، هویت ملی است و معمولاً از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را هویت محوری نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد. زیرا در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد نقشی تعیین کننده دارد (حاجیانی، ۱۳۷۹:۱۹۷). بنابراین بالاترین سطح هویت، هویت ملی است که رابطه انسان با کشورش را نشان می‌دهد. هویت‌های اجتماعی متعددی وجود دارند ولی بیشتر از یک هویت ملی وجود ندارد. ممکن است همزمان در برابر یک نوع هویت اجتماعی قرار بگیریم اما هویت ملی ثابت است و ساختارش از دیگر هویت‌ها محکم‌تر است (احمدی، ۱۳۸۳:۱۹۴)

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی عبارت است از تصور، درک و ارزیابی فرد درباره‌ی خود از نگاه جامعه که در نتیجه‌ی آن، فرد از جایگاه، ارزش و منزلت خود از نگاه دیگران آگاه می‌گردد. این گونه هویت وقتی شکل می‌گیرد که فرد از محیط خانوادگی خود فراتر رود و با لایه‌ها و قشرهای هویتی دیگر چون محله، شهر، مدرسه، گروه‌های همسالان و... آشنا شود. بر این اساس، هویت اجتماعی از

تنوع زیادی برخوردار است و فرد می‌تواند بر اساس طبقه، نژاد، محل سکونت، مذهب، زبان، رشته تحصیلی و... در یک زمان دارای انواع مختلف این قسم هویت باشد و بر اساس همین لایه‌های هویتی، خود را به دیگران بشناساند (خواجه سروی، ۱۳۸۹: ۶).

هویت سیاسی

مفهوم "هویت سیاسی" بیش از همه در آثار برخی از واقع‌گرایان نیمه اول قرن بیستم مورد استفاده و تاکید قرار گرفته است. واقع‌گرایانی چون کارل اشمیت که دیدگاه‌های آنان در برگزیده‌های عناصری از مکاتب نظری مختلف است، بر نیاز شدید انسان به هویت سیاسی تاکید خاص داشته‌اند. اشمیت که اندیشه‌های او منعکس‌کننده دیدگاه مرسر روانشناس برجسته اجتماعی است؛ معتقد است که تبیین‌کننده تمایز دوست و دشمن، نیاز شدید به هویت سیاسی است و نه ساختار یا تمایل به قدرت. جوهر و هسته اصلی سیاست، تعارض و تمایز میان دوست و دشمن و نحوه مدیریت آن است (اشمیت^۱، ۱۹۹۶: ۲۶).

هویت دینی

در واقع، هویت دینی به میزان شناخت فرد از تعلق و ارتباطش نسبت به دینی خاص و پیامدهای ارزشی مثبتی که فرد برای این تعلق و ارتباط قائل است و بالاخره احساسات خاص فرد نسبت به آن دین و نسبت به دیگرانی که مثل او رابطه‌ای مشابه با آن دین دارند، تعریف شده است. به بیان دیگر هویت دینی عبارت است از: تعریف شخص از خود بر اساس داشتن تعلق نسبت به دینی خاص به همراه ملاحظات ارزشی و احساسی مترتب با آن. (حاجیان، ۱۳۸۸: ۳۶۱)

هویت اسلامی - ایرانی

هویت اسلامی-ایرانی نوعی هویت دینی است که بسیاری از رفتارها و آرمان‌های ایرانیان براساس آن شکل می‌گیرد و نوعی نگرش به جهان هستی است که دربرگیرنده کتاب خدا، طبیعت و شریعت است و رابطه بین خود و خدا از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود. قرآن کریم نیز از سه عنصر اساسی "اعتقاد، اخلاق و اعمال" به عنوان ارکان سازنده هویت انسان یاد می‌کند و آن کس را که واجد عناصر محوری مزبور باشد، انسان دانسته که می‌تواند هویت حقیقی خویش را پیدا کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۷۷).

هویت قومی

هویت قومی معمولاً نوعی هویت اجتماعی است که در آن وابستگی به یک گروه قومی خاص مبنای شناسایی و شناساندن قرار می‌گیرد. البته قومیت معنی واحد ندارد و شاخصه‌ی قومی بودن یک گروه بیشتر به تمایز آن با گروه‌های دیگر بستگی دارد. به دلیل گستردگی مفهوم قومیت، که گاه مفهوم ملیت را نیز می‌رساند، عناصر گوناگونی چون زبان، مذهب، نژاد، آداب و رسوم خاص و گاه ملیت خاص یک گروه قومی را تشکیل می‌دهند. هویت قومی نیز همانند هویت دینی بخشی از هویت اجتماعی فرد است (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۴). از سایر هویت‌ها می‌توان به هویت مدرن مبتنی بر مضامین دستگاه مدرنیته و هم عصر بودن و متعادل بودن با زمان و هویت انقلابی پیوند خورده با هویت اسلامی با عالی‌ترین هویت یعنی هویت توحیدی اشاره نمود.

هویت و فضای مجازی

یکی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار بر هویت ملی، فناوری اطلاعات و ارتباطات جمعی (اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و...) و محتوای پیام‌هایی است که از ناحیه رسانه‌های جمعی در جامعه به مخاطبان عرضه می‌شود. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی مهم‌ترین نیرو و ابزار پیش-برنده‌ی روند جهانی شدن و نیز بخشی از حوزه‌ی فرهنگی جهانی شدن هستند که دگرگونی‌ها، تغییرات، تاثیرات و پیامدهای مختلفی را در همه‌ی زمینه‌های سلبی و ایجابی و حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی به همراه داشته است (میرمحمدی و ساروخانی، ۱۳۹۱: ۴). اینترنت دارای قابلیت است که به واسطه آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در دنیا‌های جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند یا فرد به زعم خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. این‌ها استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب‌تر می‌کند. بدین ترتیب، وب به مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می‌شود.

هویت ملی و امنیت

مطالعات امنیتی واقع‌گرایان، هویت ملی را امری ثابت می‌داند و توجهی به چیستی و چگونگی شکل‌گیری آن ندارد؛ اما رهیافت ساختارگرایی خود را بخشی از اقدام نمادین می‌داند که با تاکتیک‌ها و استراتژی‌های قدرت همگام است. هویت ملی می‌گوید ما که هستیم و چگونه به اینجا رسیده‌ایم، اما در دیدگاه فرا ساختارگرایی این هویت ثابت نیست و با تولید هویت از طریق ایجاد

^۱ -Internet

تمایز ایدئولوژیکی مداوم و موثر میان افرادی که در تعریف ایده‌آل‌ها اختلاف دارند حاصل می‌شود. از نظر فراساختارگرایان، امنیت برای هر دولت ضروری است، اما نه بر اساس آنچه مطالعات سنتی امنیت به آن معتقدند؛ یعنی حفظ دولت در برابر تهدیدات خارجی. کمپل با تغییر مفهوم سنتی، دیدگاه جدیدی را مطرح می‌کند و می‌گوید که هویت هر کشور به تهدیداتی بستگی دارد که ایجادکننده ناامنی‌اند. تهدیدات و ناامنی اساس دولت و کشور را تشکیل می‌دهد و باعث تداوم دولت می‌گردد. دولت تنها زمانی می‌داند کیست و چیست که در مقابل تهدیدات بنیادین و تهدیداتی که صرفاً می‌باید در برابر آن‌ها واکنش تهدید آمیز نشان داد، قرار گیرد. (عبد ا. . . خانی، ۱۳۸۹:۱۸۴)

ابعاد هویت ملی

همان گونه که از تعریف هویت ملی بر می‌آید، این مفهوم دارای عناصر سازنده ای است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه ای و انسانی اشاره کرد. ارزش‌های ملی، تمامی مشترکات فرهنگی اعم از: زمین، زبان، نمادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات را شامل می‌شود؛ ارزش‌های دینی، تمام مشترکات دینی و فرهنگ دینی را شامل می‌شود؛ ارزش‌های جامعه‌ای، به اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد، و ارزش‌های انسانی، به کلیه ی اصول و قواعد انسانی، فارغ از هر گونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی برای نوع بشر نظر دارد (زهیری، ۲۰۱۰:۱۳۸۱).

بعد فرهنگی

بعد فرهنگی هویت ملی از مهم‌ترین اجزای هویت ملی یک جامعه است که سبب توافق فرهنگی می‌شود؛ زیرا فرهنگ و میراث فرهنگی یک ملت، کلیت زنده و پویای خلاقیت انسانی آن ملت است، که به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه، آن ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاخص‌های مهم این بُعد شامل: آیین‌ها و سنت‌های عام؛ جشن‌ها و اعیاد؛ ارزش‌های سنتی؛ لباس و طرز پوشش؛ معماری بناها و مکان‌ها؛ رسوم؛ عرف و هنرهای ملی و بومی هستند (ورجانوند، ۱۳۷۸:۶۶).

بعد سیاسی

هویت ملی در بعد سیاسی، در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی، عضو یک نظام سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع یا مخاطب قوانین آن کشور هستند؛ از لحاظ روانی هم خود را از اعضای آن نظام سیاسی بدانند (معمار، ۲۰۱۰:۱۳۸۷).

بعد اجتماعی

بعد اجتماعی نشان دهنده‌ی تعلق شخص به یک محیط اجتماعی خاص است که هویت اجتماعی او را شکل می‌دهد؛ و بُعد تاریخی، عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته‌ی تاریخی و احساس دلبستگی به آن؛ و لذا، احساس هویت تاریخی و هم تاریخی پنداری، پیوند دهنده‌ی نسل‌های مختلف به یکدیگر است که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخ خود می‌شود؛ در حالی که هویت ملی هر ملت، در درجه‌ی نخست زائیده‌ی محیط جغرافیایی آن ملت است؛ زیرا محیط جغرافیایی، تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید. علی‌رغم تأثیر انکارناپذیر ابعاد فوق در هویت ملی، و با وجود شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی، مذهب در تمام ابعاد خود، هم چنان منبع مهمی برای هویت و معنابخشی در جهان متجدد و آشفته به شمار می‌رود. شاخص‌های مهم هویت دینی، شامل: پایبندی به جوهر دین و ارزش‌های بنیادین آن؛ دلبستگی جمعی و عمومی به شعائر، مناسک و نهادهای دینی و بالأخره مشارکت و تمایل عملی به ظواهر و آیین‌های مذهبی و دینی می‌شود (روپسینگه، ۱۳۷۹: ۱۲۵) زبان نیز، بُعد مهمی از میراث مکتوب هر ملتی است. زبان نه تنها به عنوان یک محصول اجتماعی، ابزار و وسیله‌ی ارتباطات به شمار می‌رود، بلکه خود به عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی که در تولید و بازتولید فرهنگ و هویت ویژه‌ی هر جامعه نقش مهمی دارد؛ و لذا، می‌توان گفت زبان یک ملت، نظام معنایی آن ملت است (همتی، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

مولفه‌های هویت ملی ایرانی

هویت ملی ایرانی مانند هویت‌های دیگر دارای مولفه‌های اساسی مخصوص به خود است. به طور کلی عناصر سازنده‌ی هویت ملی ایرانی آن عواملی هستند که در وهله‌ی نخست جنبه‌ی پایدار داشته و در طول چندین هزاره همچنان نقش اساسی در تداوم سرزمینی و سیاسی آن بازی کرده و برخی عناصر نیز در طول دوران‌های تاریخ ایران دگرگون شده و به شکل‌های جدید جلوه‌گر گشته‌اند (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۵). البته در میان اندیشمندان علوم سیاسی، اجتماعی، جغرافیا و تاریخ و... درباره‌ی اصالت هر یک از ارزش‌های فوق نسبت به دیگری اختلاف نظر وجود دارد. در جغرافیا به سرزمین و تاریخ مشترک، در علوم اجتماعی به زبان و دین مشترک و در علوم سیاسی به ساختار سیاسی مشترک، ملت و ملیت و جامعه‌ی مدنی تاکید می‌شود (قربانی، ۱۳۸۳: ۶۷). علاوه بر موارد گفته شده، مولفه‌هایی چون پرچم، احساسات ملی، قانون اساسی، آداب و رسوم، جشن‌ها، اعیاد ملی، اسطوره‌ها، نژاد، هنر، معماری و... را هم می‌توان در بحث عناصر هویت ملی مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، منظور از منابع هویت ملی ایران سرچشمه‌هایی است که در طول تاریخ بر ایرانیان در دستیابی به "ابر تعریف" از خودشان به

عنوان ایرانی در مقایسه با دیگران مؤثر بوده است؛ به این ترتیب هویت ملی ایران در سیر زمانی خود از منابعی بهره‌مند شده است (رجایی؛ ۱۳۸۵:۱۵۸).

مبانی هستی‌شناختی هویت اسلامی - ایرانی

مبانی هستی‌شناختی هویت اسلامی-ایرانی بر اساس نگرش هستی‌شناسانه فقهای شیعه است که تمامی اجزای جهان را در بر گرفته از واقعیتی یگانه می‌داند. در قالب این هستی‌شناسی، انسان یکی از انواع آفرینش است که از راه غریزه، واقع بینی و تفکر اجتماعی در زندگی خود به روش خاصی باید هدایت شود تا به سعادت دنیا و آخرت نائل گردد (طباطبایی، ۱۳۸۹:۱۶۱). در این دیدگاه، اصولاً قانون‌گذاری برای هدایت و پیشرفت از طریق وحی انجام می‌گیرد و برای دسترسی به وحی نیز باید به قرآن و سنت رجوع کرد تا از آن طریق به عقل کل متصل شد (فوزی، ۱۳۸۲:۱۷۷). پس از نبوت اعتقاد به امام محوری‌ترین نقش را در تکوین هویت اسلامی-ایرانی ایفا می‌کند. امام نایب عام پیامبر در پاسداری از شرع اسلام و هدایت مسلمانان و حافظ احکام شرع و هدایت‌کننده مسلمانان و مفسر کلام خدا و سنت پیامبر می‌باشد.

از این دیدگاه، عقل مهم‌ترین ویژگی انسان است و خود نوعی پیامبر درونی می‌باشد و مطابق این باور خداوند تفکر عقلی را امضا نموده و آن را جزء تفکر مذهبی قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۸۹:۸۹) از این رو در مذهب شیعه بر نقش عقل به عنوان یک منبع مهم در استنباط حکم و تطبیق حکم شرعی با مصادیق آن تأکید می‌شود. در این هستی‌شناسی، نگرش خاصی به رابطه دین و دنیا نیز وجود دارد. مذهب شیعه هرگونه دنیاگرایی را نفی می‌کند و دنیا را مزرعه آخرت می‌داند و تلاش جدی برای رفع نیازهای دنیوی انسان‌ها را به عنوان یک ارزش مطرح می‌کند.

این دیدگاه همچنین نگرش خاصی به رابطه دین و سیاست دارد و آن‌ها را دو روی یک سکه می‌داند. این اندیشه ناشی از اندیشه امامت در مذهب شیعه است. گسترش این اندیشه در دوران غیبت و تعمیم آن به فقها نیز اهمیت این نقش را در دوران غیبت حفظ و تقویت نمود. در حقیقت "دکترین ولایت فقیه" همچون پروژه‌ای است که از درون سنن فقهی، کلامی و عرفانی شیعی استخراج شده تا ظرفیت دستگاه دین و فقها در چالش با عناصر مدرن افزایش یابد (فوزی، ۱۳۸۲:۱۸۳).

بخش ۲- هویت درگفتمان ولایت فقیه حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)

"هویت" و واژگان مترادف آن یکی از مفاهیم و دال‌های محوری گفتمان امام خمینی (رحمت الله علیه) است. مفهوم "هویت"، هفده مرتبه در نامه‌ها، بیانات و سخنان امام راحل با پسوندهایی چون اصیل،

انسانی، ایرانی-اسلامی، دینی، خویش و اسلامی تکرار شده است. با این وجود واژگان مترادف با "هویت" در گفتمان امام نظیر، خود، خویشتن، خودباوری و... از واژگان پرتکرار محسوب می‌شود. نکته‌ای که از لحاظ کمی حائز اهمیت است اینکه ترکیب "هویت ملی" در گفتمان امام خمینی (رحمت الله علیه) مورد استعمال قرار نگرفته است. البته اشاره به چنین روش‌هایی در بیان نگاه امام راحل پیرامون مفهوم هویت شاید با دشواری‌ها و نقدهای زبان‌شناسانه و گفتمانی همراه باشد، اما اگر این روش را در خصوص مفاهیم مشابه دیگر که غالباً با پسوند ملی همراه می‌شوند نظیر: منافع ملی، اهداف ملی، امنیت ملی و... نیز مورد کنکاش و جستجو قرار دهیم، شاید بتوان استدلال قوی‌تری از استنتاج اشاره شده در خصوص ترکیب "هویت ملی" ارائه نمود (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۶۶). در نگرش حضرت امام (رحمت الله علیه) ضمن اینکه هویت در حد هویت فردی و قومی متوقف نمی‌شود، بلکه فرد در مراحل رشد به هویتی بالاتر یعنی هویت ملی، اسلامی و دینی دست می‌یابد. امام (رحمت الله علیه) عنصر تعیین‌کننده در هویت ایرانی را فرهنگ اصیل اسلامی می‌داند و هرگونه تلاشی برای حذف یا کم رنگ کردن یکی بر علیه دیگری را بحران هویت تلقی می‌نماید (برزگر ۱۳۷۹: ۱۴۳). بنابراین در باب انسان و کیستی آن در منظومه فکری امام (رحمت الله علیه) باید گفت، انسان موجودی ثنوی، عاقل، بهره‌مند از جوهره‌ای الهی و آزادی معرفی می‌شود. بدین ترتیب هویت در اندیشه امام در قالب "بندگی خدا" تعریف می‌گردد. اما انسانی با این ویژگی‌ها و با تمرکز بر بحث بندگی خدا، احساس تعلق را در خود در قالب چه جامعه‌ای بایستی پی‌جویی کند (صالحی، ۱۳۸۵: ۱۱۶)؟ امام خمینی (رحمت الله علیه) با اعتقاد به وجود هویتی ذاتی برای انسان که همان هویت فطری اوست، معتقد است از آنجا که جامعه مجموعه‌ای از انسان‌هاست؛ این هویت‌های فردی مسیر هویت جمعی را شکل می‌دهند و بنابراین هویت واقعی جوامع نیز متأثر از هویت اصیل انسانی و هویت فطری است که باید برای احیای آن کوشید (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۰۰). در حقیقت از آنجا که انسان‌ها دارای هویت واحدی بر اساس فطرت خود هستند، جوامع نیز می‌توانند هویت واحد یابند و جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر، در یکدیگر ادغام شدن سیر کنند. در این صورت آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و سرانجام به انسانیت اصیل خود خواهد رسید (همان، ۹۹).

ابعاد هویت ایرانی - اسلامی از نظر امام خمینی (رحمت الله علیه)

بعد ایرانیت هویت ملی شامل؛ سرزمین، زبان فارسی، تاریخ، استقلال‌طلبی، اسطوره‌ها، آداب و

رسوم، مفاخر و قهرمانان، معماری و ادبیات می‌شود و بعد اسلامی؛ دین اسلام، آموزه‌های شیعی، مناسک مذهبی و مناسک اجتماعی اسلامی را در برمی‌گیرد.

بعد ایرانیت : ۱- سوزمین

از نگاه امام خمینی (رحمت الله علیه) تقدس و احترام وطن، جدای از اسلام نیست و حفظ آن نیز سفارش اکید اسلام است. امام میان این دو تعارضی نمی‌دیدند تا ناچار شوند یکی را برگزینند و دیگری را وانهند (حسینی فرد، ۱۳۸۸: ۲۸۱). از این رو ایشان معتقدند که "میهن عزیزتر از جان ما، امروز منتظر است تا یک‌یک فرزندان خود را برای نبرد با باطل مهیا سازد، ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یک‌یک سلحشوران ایران زمین مبارزه می‌کنیم" (ج ۳، ص ۲۴۳) و در جای دیگر می‌فرمایند: "حب وطن و حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور، مساله ای است که در آن حرفی نیست" (ج ۱۳، ص ۱۸) و دیگر این که، "حتی یک وجب از زمین خودمان را به دیگران نخواهیم داد؛ نه ظلم می‌کنیم به آن‌ها و نه تحت ظلم واقع می‌شویم" (ج ۱۴، ص ۸۳)

۲- عدالت خواهی

عدالت و روحیه عدالت‌خواهی یکی از مظاهر فرهنگی و روحیات ایرانی است که از دیرباز در این کشور وجود داشته است. طلب عدالت یکی از مظاهر فرهنگی و روحیات ایرانی است. رهبر فقید انقلاب اسلامی، نیز آنچه را که در روحیه ملت ایران تحت عنوان عدالت‌خواهی وجود داشت را سر لوحه برنامه و عمل حکومت ج. ا. ایران قرارداد و لذا فرمودند: "حکومتی مبتنی بر عدل و انصاف نسبت به اقشار وطن می‌سازیم" (ج ۵: ص ۱۳۳) امام مبنای جمهوری اسلامی را بر عدالت اجتماعی می‌دانند و حکومت اسلامی را حکومتی می‌دانند که ابتدای بر عدالت داشته باشد زیرا در غیر این صورت چیزی خواهد بود شبیه به سایر حکومت‌ها و دولت‌ها. "مبنای جمهوری اسلامی بر عدالت اجتماعی است و حسن روابط با همه کشورها، با احترام متقابل" (ج ۹، ص ۷۱)

۳- استقلال طلبی

استقلال‌طلبی یکی دیگر از مولفه‌های هویت ملی است، که هم در بعد ایرانیت و هم در بعد اسلامیت مورد تاکید قرار می‌گیرد. به طوری که از نگاه امام خمینی (رحمت الله علیه) وابستگی به بیگانگان و حضورامپریالیست‌ها در کشور یکی از عوامل قیام ملت ایران محسوب می‌شود. ایشان در این راستا می‌فرمایند "امروز که ملت ایران قیام کرده‌اند... حکومت اسلامی می‌خواهند، می‌خواهند که آزاد باشند، می‌خواهند که مستقل باشند، می‌خواهند که حکومتشان حکومت اسلامی باشد" (ج ۳، ص ۱۹۸). به این ترتیب امام در چارچوب فرهنگ ایرانی - اسلامی، فرهنگ استقلال‌طلبی را جایگزین فرهنگ استعماری می‌کنند.

بعد اسلامیت: ۱- اسلام خواهی

امام خمینی (رحمت الله علیه) اسلام خواهی و فداکاری ملت ایران برای اسلام را افتخاری بزرگ برای ملت ایران معرفی می‌نماید و براین نکته تاکید می‌فرماید که ملت ایران اسلام را می‌خواهد و انقلاب ملت ایران، انقلابی اسلامی است. "ملت اسلام را می‌خواهد، ملت ایران رای داده است، به جمهوری اسلامی، هرچه زحمت داشته و توان داشته است، در طبق اخلاص گذاشته است، گفته ما اسلام را می‌خواهیم، ملت با اسلام است. نه با من است، نه با شما و نه با دیگری، ملت اسلام را می‌خواهد. ملت شخص نمی‌خواهد. ملت می‌خواهد قوانین اسلام در این مملکت پیاده شود (ج ۱۴، ص ۲۴۰).

۲- استکبارستیزی و مبارزه با ظلم

یکی از آموزه‌های اسلام و قرآن، مقابله با ظلم و ایستادگی در مقابل ستمگران و مستکبران است. نمونه بارز این امر امام حسین (علیه السلام) و قیام خونین ایشان است. به این ترتیب استکبارستیزی به عنوان یکی از اصول اسلامی به یکی از مولفه‌های هویت ایرانی تبدیل شده است. انقلاب اسلامی ایران و حرکت امام خمینی (رحمت الله علیه) نشأت گرفته از این قیام و در امتداد آن است؛ لذا استکبارستیزی به عنوان یک مولفه هویتی در اندیشه امام خمینی (رحمت الله علیه) مورد تاکید قرار می‌گیرد.

۳- دفاع از مظلومان و مستضعفان

دفاع از مظلومان و مستضعفان به عنوان یک آموزه قرآنی برای مسلمانان حائز اهمیت است امام خمینی (رحمت الله علیه) نیز به عنوان احیاگر اسلام ناب پیوند عقیدتی را جایگزین پیوند جغرافیایی و آن را به عنوان یکی از مولفه‌های ساختاری هویت اسلامی معرفی می‌کنند. ایشان به لزوم حمایت و دفاع از مظلومان توجه داشته و در این زمینه بیانات متعددی دارند. ایشان می‌فرمایند: "ما طرفدار همه مظلومین در همه جا هستیم، و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند" (ج ۱۹ ص ۹۴).

۴- معنویت سیاسی

یکی از مولفه‌هایی که مسلمانان را از غیرمسلمانان متمایز می‌کند، تاکید گفتمان اسلامی بر معنویت سیاسی است. درحقیقت انقلاب اسلامی با احیای هویت ملی معنویت‌گرای سیاسی را در مقابل دو گفتمان لیبرالیسم و کمونیسم قرار می‌دهد. به این ترتیب که در مقابل سکولاریسم و عقلانیت ابزاری بر معنویت سیاسی و عقلانیت ارزشی تاکید دارد. در گفتمان اصالت اسلامی، اهداف فقط محدود به اهداف مادی نیست، بلکه اهداف و غایات ارزشی اصل و اساسی هستند.

به این ترتیب سیاست مدنظر اسلام از نگاه امام خمینی (رحمت الله علیه) سیاست الهی است و باید باشد. "سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان است، این مختص انبیا و اولیاست" (ج ۱۳، ص ۴۳۲).

هویت درگفتمان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

درگفتمان امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز، انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است، و ایشان آن را حرکتی در راستای احیای هویت ملی می‌دانند و می‌فرمایند: "بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - که انقلابی براساس یک هدف تعریف شده‌ی فرهنگی بود - که به مقوله‌ی فرهنگ اهمیت داده شد و به مقوله‌ی هویت ملی - که خود هویت ملی یک کشور، فرهنگ است و خود این جزو مصادیق و سطور برجسته‌ی فرهنگ یک ملت است - اهتمام ورزیده شد (بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۲/۲۸) نگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی). به هویت فردی منطبق بر اندیشه حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و بر مبنای انسان شناختی اسلامی و دینی است به طوری که ایشان در بحث هویت فردی و شخصی و خودشناسی برای رسیدن به هویت فردی و راهکارهای حفظ آن می‌فرمایند: امروز هم هر جایی که بشر در دنیا ضربه خورده است چه ضربه‌ی سیاسی، چه ضربه‌ی نظامی و چه ضربه‌ی اقتصادی اگر ریشه‌اش را کاوش کنید، یا در جهل است، یا در زبونی. یعنی یا نمی‌دانند و معرفت لازم را به آنچه که باید معرفت داشته باشند، ندارند؛ یا اینکه معرفت دارند، اما خود را ارزان فروخته‌اند؛ زبونی را خریده‌اند و حاضر به پستی و دنائت شده‌اند (بیانات سال ۱۳۷۹ در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ص ۸-۱۰).

عناصر اصلی هویت اسلامی از نظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در تبیین عناصر اصلی هویت اسلامی می‌فرماید: بزرگ‌ترین ارزش انسانی هر انسان عبارت است از آزادی، اختیار، استقلال و در اختیار داشتن سرنوشت خویش؛ آزادی و اراده یا حق تصمیم‌گیری انسان، "اصلی‌ترین عنصر هویت بخشی" اوست چرا که مبنای تاثیر بر سایر عناصری هستند که در هویت انسان دخالت دارند. بنابراین وقتی از آزادی، و حق انتخاب انسان، سخن می‌گوئیم، سخن از یک حق در کنار سایر حقوق نیست بلکه سخن از حقی است که مبنای تمام حقوق انسان می‌باشد (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه-های استان زنجان ۷/۱۳).

با این حال در منظومه فکری این دو شخصیت (ولایت فقیه) هویت ملی از دو بعد اساسی

ایرانیت و اسلامیت تشکیل شده است که بعد ایرانیت آن فرد ایرانی را در مقابل افراد دیگری از ملیت‌های مختلف قرار می‌دهد و در این صورت بر مولفه‌هایی همچون داشتن سرزمینی به نام فلات ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود، زبان فارسی، قدمت تاریخی، عدالت‌طلبی و استقلال‌طلبی متمایز می‌کند و در بعد اسلامیت نیز فرد ایرانی همگام با دیگر مسلمانان خود را با مولفه‌هایی همچون اسلام‌خواهی، معنویت‌گرایی سیاسی، استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی در برابر غیر مسلمانان معرفی می‌کند.

رویکردها و محورهای هویت اسلامی - ایرانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مطالعه قانون اساسی جمهوری اسلامی به مثابه میثاق جاودانه و مهم‌ترین سند سیاسی و حقوقی کشور نشان می‌دهد که قانونگذار ضمن اهتمام به لایه‌های هویت اسلامی - ایرانی به موضوع جایگاه ارزشی و والای انسان از نگاه انسان‌شناسی قرآن نیز توجه نموده است و آنجا که می‌فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم و... به درستی که به انسان کرامت بخشیدیم. در مبانی فلسفی نظام فکری نویسندگان قانون اساسی، انسان از رتبه و شانی بی‌مانند برخوردار است؛ چون در آموزه‌های اسلامی، اشرف مخلوقات و برترین آفریننده خداوند متعال تلقی می‌گردد؛ از اینرو، موضوع قانونگذاری در قانون اساسی انسان است. در تحکیم بنیادهای اقتصادی، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست. برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی (ق.ا. دیباچه). در دیباچه قانون اساسی، مبحث اقتصاد وسیله است نه هدف، منادی همین نگاه انسانی، و مهم‌ترین شرط آن اصل مساوات و برادری است. قانونگذار، کرامت و ارزش والای انسانی را از پایه‌های نظام می‌شمارد (ق.ا. بند ۶ اصل اول) و بر همین اساس تساوی همه‌ی افراد یک ملت در امور زیر را ضروری می‌داند. قانونگذار بر مبنای اصول یاد شده ایرانیان را در "مای" کلی‌تر و جهانی قرار می‌دهد و تمام انسان‌ها را در قالب یک "ما" تعریف می‌کند و دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان و حمایت از مبارزات ستمدیدگان و استعمارزدگان دنیا را وظیفه‌ی ملت و دولت ایران می‌داند. "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم گفتمان هویتی مطلوب خود را عرضه نموده و معتقد است نگاه خاص آن به مساله هویت، برآمده از واقعیات و مقتضیات جامعه‌ی ایران می‌باشد" (برزگر ۱۳۷۹: ۱۳۷).

در این مورد اصل ۱۹ قانون اساسی صراحت خاصی دارد: "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها، سبب امتیاز نخواهد بود. "این اصل تاکید دارد به آیه شریفه یاایهاالناس اناخلقنکم من ذکر و انثی... سوره (الحجرات

۱۳۸۰:۱۳) که ماهیت اسلامی بودن هویت را در نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر مورد اهتمام قرار می‌دهد.

ابعاد یا لایه‌های هویت در قانون اساسی

بر اساس دلایل تاریخی، هویت ایرانیان از چندین لایه تشکیل می‌شود. معمولاً هویت ملی دارای عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی است که به آن شکل می‌دهند و آن را می‌سازند. برخی از نظریه‌پردازان حوزه هویت معتقدند منابع چهارگانه هویت جمعی ایرانیان شامل هویت ملی، هویت مذهبی، هویت قومی یا محلی و هویت مدرن (متجدد یا جهانی شده) می‌باشد. در این حوزه تعدادی از آنان معتقد به تحقق هویت ترکیبی در ایران امروز می‌باشند که به معنی فقدان تعارض و تضاد میان انواع هویت‌هایی است که کنشگران ایرانی به واسطه آن‌ها، خود را شناسایی و معرفی می‌نمایند. در دهه اخیر، از میان این لایه‌ها، لایه‌ای از فرهنگ اسلام و تشیع، لایه‌ای از فرهنگ ایرانی و لایه‌ای از تمدن جهانی در باورها و رفتارهای مردم ایران به چشم می‌خورد. برخی هم اسلام، ایران، سنت و تجدد را لایه‌های هویت ملی ایرانیان دانسته‌اند. حال باید دید که نویسندگان قانون اساسی برای هویت ملی ایران چند لایه برشمرده‌اند. با مطالعه مقدمه و اصول قانون اساسی می‌توان دریافت که در این قانون هویت ملی، تک لایه تلقی نشده است (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸:۶۶).

۱- لایه هویت اسلامی

یکی از مهم‌ترین و پررنگ‌ترین لایه هویت ملی، لایه هویت اسلامی است که نمود آن در مقدمه و اصول قانون اساسی ج.ا. ایران به خوبی نمایان است. به عبارتی دیگر ضوابط و قوانین اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت، پایه اصلی قانون اساسی و همچنین هویت ایرانیان را تشکیل می‌دهد. یکی از منابع شکل دهنده رفتارها و باورهای ما، آموزه‌های دینی هستند. در بحث‌های مربوط به هویت، دین عبارت است از توجیه ما از خودی و غیر با توسل به داده‌های الهی که این توجیه در همه جوامع به یک اندازه نیست. هویت دینی یا محوریت آموزه‌های یک دین خاص در تعریف هویت، هنگامی معنا دار است که بر اساس خودآگاهی صورت گرفته باشد (نصری، ۱۳۸۷:۲۰). در اصول اول تا پنجم، یازدهم، دوازدهم، نود و چهارم، صد و نهم بر این امر تأکید شده است، که در اینجا چند اصل مهم آن بیان می‌شود: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا،

عدل خدا در خلقت و تشریح، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا ”(محمدی نژاد، قانون اساسی: اصل دوم ۲۴-۲۵).

با توجه به موارد بالا می‌توان دریافت که نام “جمهوری اسلامی” دلالت بر نوع و محتوای حکومت دارد بدین صورت که کلمه “جمهوری” مبین شکل حکومت است یعنی عمده تصمیمات حکومت با رأی مردم شکل می‌گیرد. کلمه “اسلامی” دلالت بر محتوای حکومت دارد. بدین معنی که حکومت بر مبنای احکام اسلامی اداره می‌گردد و ایدئولوژی و معیار سنجش امور، ضوابط اسلامی است. در این راستا مشروعیت نظام و حکومت در شکل‌گیری و تطابق مقررات آن با موازین اسلامی است و “ولایت فقیه” که برآمده از ولایت رسول الله و امامان معصوم (علیه السلام) است، در قانون اساسی مظهري برای این امر تلقی می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ محتوای اسلامی خود، مسلمانان را امت واحده می‌داند.

۲- لایه هویت ایرانی

در اصول متعدد قانون اساسی و همچنین مقدمه آن، واژگان، ملت ایران، ایرانیان، جامعه ایران، ملت، ملت ما، مردم، ملت مسلمان ایران، ملت مسلمان، مردم ایران، افراد ملت به کار رفته است. قانون اساسی خود را متعلق به ملت و کشور ایران و مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ی ایران می‌داند و این رویکرد محوری حاکی از نگاه قانونگذار به لایه هویت ایرانی است (قانون اساسی ج. ۱. ا. مقدمه). در اصل شانزدهم قانون اساسی بر آمیختگی دو فرهنگ اسلام و ایران به صراحت تأکید شده است: “از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود” (محمدی نژاد، قانون اساسی: اصل شانزدهم: ۳۳).

۳- لایه هویت مدرن

در میان اکثر محققان و نویسندگان ایرانی که به موضوع هویت در ایران توجه داشته‌اند، اشارات مستقیم و مؤکد (یا غیرمستقیم) به نقش و تأثیر غرب، غربی‌شدن، تجدد، جهانی‌شدن یا جهانی‌کردن و مدرنیته در هویت ایرانی وجود داشته و عمدتاً پذیرفته‌اند که فرهنگ و هویت ایرانی در جریان تعاملات تاریخی ایران با کشورهای اروپایی تحت تأثیر قرار گرفته و لایه یا بُعدی جدید به آن افزوده شده است. در واقع، هویت غربی یا متجددانه ابتدا در نقش دگر هویت سنتی قرار

داشت، اما به تدریج و با ورود، تثبیت، جذب و هضم در هویت ایرانی، خود جزیی از هویت ایرانی شد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۰۳). نمونه‌ای از اصول قانون اساسی مبتنی بر هویت مدرن و تجدد بدین گونه بیان می‌گردد: "استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها" (محمدی نژاد، قانون اساسی: بندهای ۵ از شق ۵ اصل دوم: ۲۵).

هویت اسلامی تا جایی که منطق هویتی آن اجازه دهد، بر روی تغییرات و جذب هویت‌های غیر، باز است. این هویت نه تنها امکان جذب ویژگی‌های تجدد را باز می‌گذارد، بلکه به تقابل با هویت‌های قومی نیز نمی‌رسد. افزون بر این، در عصر پیدایش واحدهای فراملی امکان این را نیز فراهم می‌سازد که ایرانیان پیوندهای مستحکم و گرمی با دیگر مردمان در قلمرو تمدنی خود، یعنی جهان اسلام و همسایگان خویش دست یابند. اما فراتر از اینها اسلام به اعتبار اینکه هویت انسانی و نه قومی یا ملی است، امکانی برای یک جهان جهانی شده بوده و ما را به آینده تاریخ می‌کشاند (کچویان، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

روش‌شناسی تحقیق

از روش تحقیق کیفی و با استفاده از تحلیل‌های کیفی (تحلیل گفتمان، تحلیل تفسیری و تحلیل محتوای کیفی و کمی) و ترکیب آن در دستیابی به الگوی راهبردی و از روش داده‌بنیاد (گراندد تئوری) برای تئوری‌سازی در جهت رسیدن به الگو، از متن یافته‌های حاصله از بیانات ولایت فقیه استفاده می‌شود. تحقیق حاضر به لحاظ کاربرد و بسط نتایج آن در حوزه‌ی تحقیقات کاربردی توسعه‌ای و با توجه به ماهیت موضوع در زمره تحقیقات کیفی و کمی قرار می‌گیرد.

بخش ۳- تحلیل گفتمان بیانات حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) در حوزه‌ی هویت اسلامی-ایرانی

در تحلیل گفتمان ولایت فقیه حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) از روش تحلیل گفتمان "نورمن فرکلایف" و "بشیر" استفاده شده که در آن تحلیل متن بیانات مبتنی بر سه محور، شامل: ۱) تجزیه و تفکیک متن یا برداشت از اصل متن، ۲) تحلیل گرایش متن یا جهت‌گیری متن ۳) تحلیل تبیینی متن یا تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن، مورد تحلیل قرار گرفته است (بشیر، ۱۳۸۹). پس از آن محورهای سه‌گانه راهبردی دکترین، سیاست‌ها و اهداف و ابعاد چهارگانه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دسته‌بندی شده که به دلیل حجم مطالب در قالب جدول نمونه ارائه شده است.

جدول شماره (۱) نمونه ای از تحلیل گفتمان بیانات حضرت امام (ره)

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	گرایش و جهت-گیری متن	برداشت از اصل متن (بیانات)
اسلامیت و جمهوریت از ارکان اصلی و ارزشی حاکمیت ولایت فقیه در جمهوری اسلامی است. (دکترین)	اسلامیت و جمهوریت	مجلس شورای اسلامی از ویژگی‌های خاص برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها اسلامی- ملی بودن آن است. اسلامی است که تمام تلاش آن در راه تصویب قوانین غیر مخالف با احکام مقدس اسلام است و ملی است که از متن ملت جوشیده است
تبیین وابستگی فکری به غرب (دکترین)	ملت و وابستگی	بزرگ‌ترین فاجعه برای ملت این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم
خودشناسی اساس استقلال است (تبیین سیاست و دکترین)	استقلال و خودشناسی	به هیچ نحو استقلال حاصل نمی‌شود الا اینکه خودمان را بشناسیم

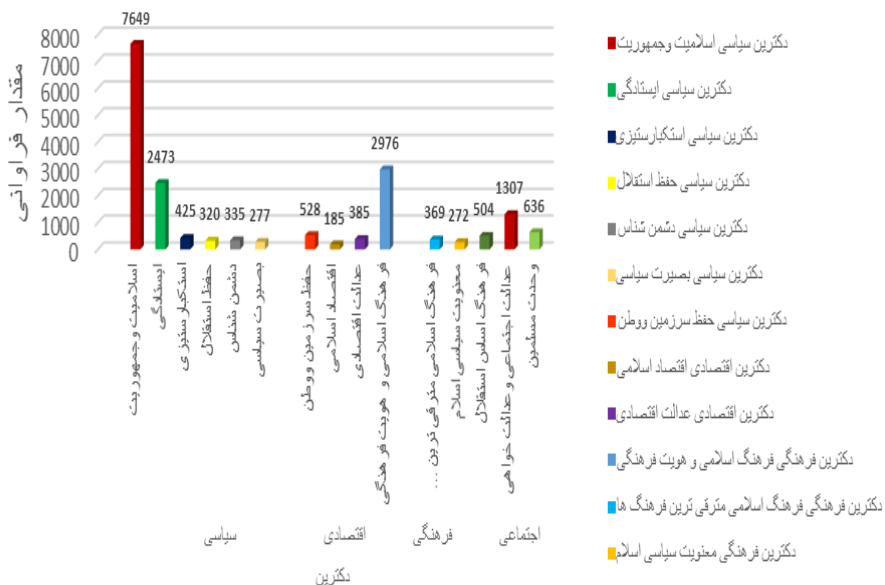
تحلیل محتوای بیانات حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)

واحد تحلیل محقق در این روش، واژه‌های مورد استفاده‌ای است که بیشترین کاربرد و تکرار را در بیانات ولایت فقیه، حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) داشته‌اند، بنابراین بررسی‌های به عمل آمده حاکی از تکرار و درصد فراوانی کلمات و نشان دهنده میزان اهمیت و جایگاه آن و توجه حضرت امام (رحمت الله علیه) به موضوع هویت را به شرح نمودار (۱) هیستوگرام نشان می‌دهد. پس از مشخص شدن کلمات و فراوانی آن‌ها برابر جدول مربوطه، محورهای سه‌گانه (دکترین، سیاست‌ها و اهداف)، ابعاد و مولفه‌ها و کلمات مورد استفاده و مرتبط با آن در تحلیل محتوای بیانات حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) به انضمام درصد فراوانی آن‌ها مشخص و نمونه‌ای از آن مطابق جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول شماره (۲) نمونه‌ای از تحلیل محتوای بیانات حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)

درصد فراوانی	فراوانی	کلمات	مولفه‌ها	ابعاد	محورها
۱۶/۶۵	۷۶۴۹	اسلام، ایران، ایمان، دین، ملی، ملت، ملیت، معنویت، تقوا، مردم‌سالاری، مشروعیت، مشارکت، اتحاد، انسجام، مذاهب، اقوام، آزادی، مردم، همبستگی، یکپارچگی، همدلی، نژاد، زبان، وطن، انسجام اسلامی، مملکت	اسلامیت و جمهوریت	سیاسی	دکترین
۵/۳۸	۲۴۷۳	انسجام، انسجام اسلامی، ایرانی، ملت، اتحاد، همبستگی، دشمن، استکبارستیزی، بصیرت، آزادی، مردم‌سالاری، مشروعیت، مشارکت، معنویت، همدلی	ایستادگی		
۰/۹۲	۴۲۵	جبهه استکبار، استکبار، دشمن و دشمنان، انسجام، یکپارچگی، بصیرت، مردم	استکبارستیزی		
۰/۷	۳۲۰	دشمن، استکبارستیزی، تفرقه‌انگیزی، اختلاف، اختلاف‌انگیزی	حفظ استقلال		
۰/۷۳	۳۳۵	دشمن، استکبارستیزی، بصیرت، همبستگی، یکپارچگی، انسجام، انسجام اسلامی	دشمن شناس		
۰/۶	۲۷۷	بصیرت، مشارکت، عدالت سیاسی، مردم، امنیت، انسجام، یکپارچگی، انسجام اسلامی، همبستگی، اتحاد	بصیرت سیاسی		
۱/۱۵	۵۲۸	ملت، وطن، مملکت، اتحاد، انسجام، انسجام اسلامی، همبستگی، مرز	حفظ سرزمین و وطن		
۰/۴	۱۸۵	عدالت اجتماعی، عدالت، تامین اجتماعی، عدالت اقتصادی، جامعه توحیدی	اقتصاد اسلامی	اقتصادی	
۰/۸۴	۳۸۵	عدالت، معیشت، رفاه، ملت، برابری، اسلام، حقوق، مردم	عدالت اقتصادی		

نمودار (۱) هیستوگرام محور دکتترین



تحلیل: این هیستوگرام که دربرگیرنده ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و مولفه‌ها، در بیانات حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) است تاکید دارد بر: ۱. اهمیت و تاکید بر اسلامیت و جمهوریت (مردم‌سالاری دینی) در جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای مشروعیت و مقبولیت نظام و مشارکت آحاد جامعه در حفظ و ارتقاء هویت اسلامی ایرانی. از سوی دیگر ارجحیت بعد سیاسی در محور دکتترین بر سایر ابعاد.

تحلیل داده‌بنیاد^۱ (متنی) از بیانات حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)

در این بخش فرازهایی از متن بیانات ولایت فقیه، حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در حوزه‌ی هویت اسلامی ایرانی به عنوان داده‌های مورد پردازش و در قالب جدول (شماره ۳) به روش داده‌بنیاد و در مرحله اول از طریق کدگذاری باز^۲ مفهوم‌سازی

شده است. واحد تحلیل محقق در این بخش، به صورت پاراگرافی و به عنوان یافته‌های پژوهش پس از مفهوم‌سازی به واحدهای کوچک‌تر تبدیل شده است. در این مرحله، براساس روش مرسوم در نظریه داده‌بنیاد، به هریک از اجزاء، عنوان و برجستگی داده می‌شود. این عنوان، که اصطلاحاً به آن "کد" گفته می‌شود، باید گویای محتوای داده باشد. به طوری که محقق و خواننده، با مشاهده این عنوان و تیترو، تا حدود زیادی به مفهوم جملات پی ببرند.

جدول شماره (۳): نمونه ای از تحلیل داده‌بنیاد بیانات ولایت فقیه

شناسه	یافته‌های پژوهش	مفهوم (کد)
R1	مجلس شورای اسلامی از ویژگی‌های خاص برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها اسلامی - ملی بودن آن است. اسلامی است که تمام تلاش آن در راه تصویب قوانین غیرمخالف با احکام مقدس اسلام است و ملی است که از متن ملت جوشیده است	منطبق بودن اسلامیت با ملیت
R2	فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است. اساس استقلال یک ملت است.	فرهنگ، اساس استقلال و ملیت یک ملت
R3	به هیچ نحو استقلال حاصل نمی‌شود الا اینکه خودمان را بشناسیم.	خودشناسی اساس استقلال

تحلیل تفسیری رویکردها و محورهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در تحلیل تفسیری قانون اساسی، رویکردهای مرتبط با حوزه‌ی هویت اسلامی - ایرانی استخراج و نمونه‌ای از آن به شرح جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول شماره (۴): نمونه‌ای از تحلیل تفسیری قانون اساسی

ردیف	متن قانون اساسی	تحلیل تفسیری
۱	در تحکیم بنیادهای اقتصادی، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست. برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی (ق.ا. دپاچه).	رویکرد انسان محوری قانون اساسی
۲	و بدین جهت تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همهی افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است. (ق.ا. بند 6 اصل اول)	کرامت و ارزش‌های والای انسانی از پایه‌های نظام اسلامی
۳	ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آنست.	بعد اسلامی و هویت انقلابی نهضت اسلامی

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

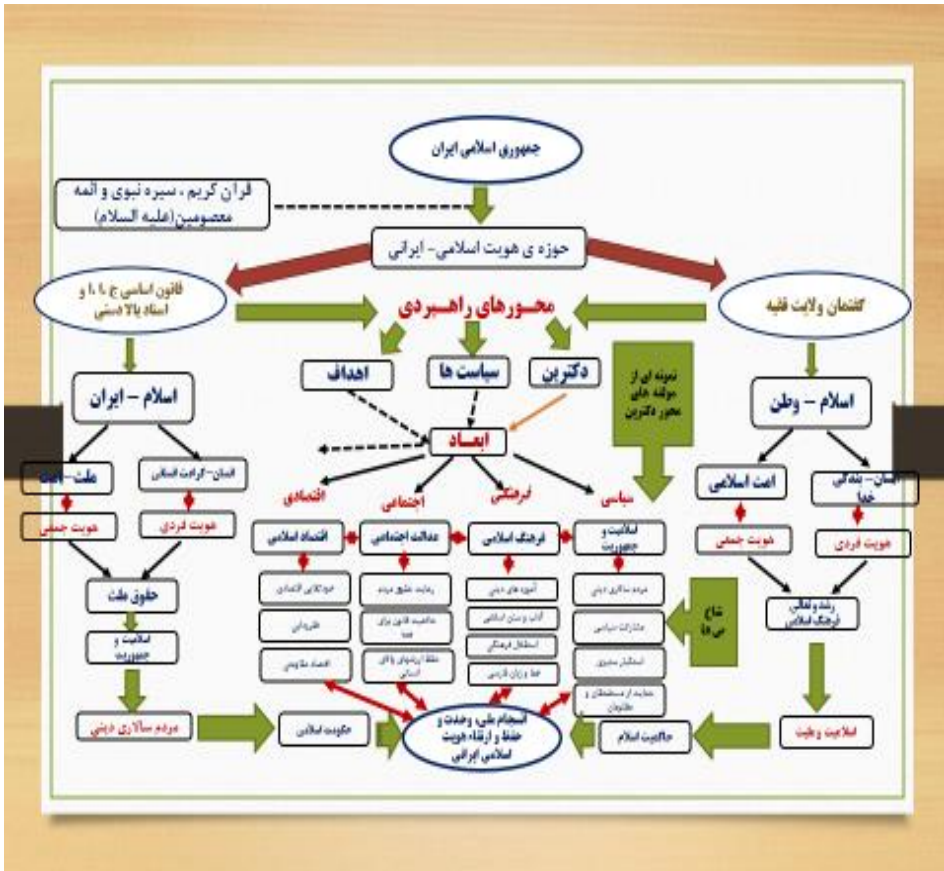
در تدوین و مستندسازی تجارب، نتایج کلی حاصله از نظر خبرگان راهبردی در خصوص شدت ارتباط و میزان اهمیت و تاثیر مولفه‌ها و شاخص‌ها در محورهای راهبردی "دکترین، سیاست‌ها و اهداف"، ابعاد چهارگانه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نسبت آن‌ها با همدیگر با ضریب شدت خیلی زیاد ارزیابی و تعیین شده است. تحلیل شکاف میانگین ارزشیابی مولفه‌ها و شاخص‌ها در وضعیت فعلی (موجود) و وضعیت آتی (مطلوب) به منظور پر کردن خلا وضع موجود و مطلوب و ارائه توصیه‌های راهبردی با مد نظر قرار دادن بیشترین شکاف در بین سایر مولفه‌ها و شاخص‌ها به شرح جداول مربوطه اقدام گردیده است، نتایج حاصله به عنوان تجارب راهبردی مسئولین ذیربط نظام تدوین و توصیه‌های راهبردی مرتبط نیز به شرح نمونه زیر داده شده است.

"مولفهی اسلامیت و جمهوریت و شاخص مردم‌سالاری دینی به عنوان مبنای مشروعیت و مقبولیت نظام با میانگین، اهمیت و تاثیر خیلی زیاد (۶/۸۳) در وضعیت فعلی و میانگین (۶/۹۳) در وضعیت آتی حاکی از میزان اهمیت و ارتقاء این مولفه / شاخص در وضعیت مطلوب بوده و مورد توجه و تاکید در سیاست‌گذاری ارزیابی می‌شود."

الگوی راهبردی

طراحی و اجرای الگوی راهبردی جامع حفظ و ارتقاء هویت اسلامی-ایرانی در محیط جمهوری اسلامی ایران از طریق بسیج امکانات دستگاه‌های ذیربط و امکانات جامعه در راستای احیای ارزش‌های پذیرفته‌شده در جهت اعتلای ابعاد مادی و معنوی آن در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر است. در الگوی راهبردی حاضر همه‌ی عرصه‌های تاثیرگذار در حیات طیبه انسان شامل عرصه‌ی دین اسلام، فرهنگ و جهان‌بینی انسان‌شناختی اسلامی، تفکر و آموزه‌های دینی، رویکرد قانون اساسی و گفتمان ولایت فقیه دیده شده و در محیط جمهوری اسلامی ایران با نگاه به کرامت انسانی، تربیت و بندگی انسان متعالی، حقوق ملت و مردم‌سالاری دینی و امت‌مداری (تعاملات جهانی) مورد توجه قرار گرفته و این عرصه‌ها با یکدیگر در تعامل هستند، به گونه‌ای که نبود تعادل در یک عرصه، سایر عرصه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و این منظومه را از تعادل خارج می‌سازد. این منظومه فکری متعادل، منسجم و متعامل دو هدف اساسی را تعقیب می‌کند: ایجاد انسجام ملی، وحدت و وفاق برای دستیابی به ارتقاء و حفظ هویت اسلامی-ایرانی و استمرار پیشرفت برای ارتقای جامعه‌ای امن با هویت واحد که غایت آن دستیابی به جامعه‌ای متعالی انسانی و پیشرفته است. این منظومه در شکل شماره (۱) قابل مشاهده است.

شکل شماره (۱) الگوی راهبردی حفظ و ارتقاء هویت اسلامی ایرانی



ارائه الگوی راهبردی حفظ و ارتقاء هویت اسلامی ایرانی...

Arch

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰)، مترجم، مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، چاپ هشتم، تحریر
- امام خمینی (رحمت الله علیه)، *صحیفه نور جلد ۳*، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱
موسسه تنظیم و نشر آثار.
- امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) *حدیث ولایت*، موسسه فرهنگی نشر آثار امام خامنه‌ای (مد
ظله العالی)
- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷)، *مولفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی*، سیاست،
دوره ۳۸، شماره ۴.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)، *هویت ملی ایرانی ویژگی‌ها و عوامل پویایی آن*، موسسه
مطالعات ملی
- احمدی، حمید (۱۳۹۰)، *دین و ملیت در هویت ایرانی*، تهران، هفته‌نامه طرح نو
- اشرف، احمد (۱۳۸۳)، *بحران هویت ملی و قومی در ایران*، ایران، هویت، ملیت، قومیت،
به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۹)، *صراط، ضابطه‌ی هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی (ره)*،
فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵.
- بشیر، حسن (۱۳۸۹)، *کارگاه تحلیل گفتمان*، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷)، *رسانه و بحران در عصر فراواقعیت‌ها (با تاکید بر بحران
هویت)*، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم (صورت و سیرت انسان در
قرآن)*، چاپ دوم، قم، اسراء.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات
استراتژیک.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۹)، *تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه*،
فصلنامه مطالعات ملی، سال ۲، شماره ۵.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، *هویت و امنیت نگاهی راهبردی به مولفه‌های هویت‌ساز*،
ماهنامه مطالعات هویتی، سال اول، شماره ۶، شهریور ۹۱.



- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۹)، امام خمینی و بازسازی هویت ملی ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال یازدهم، شماره یکم.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، *مشکل هویت ایرانیان امروز*، نشر نی.
- رضایی، سیدمحمد و محمدصادق جوکار (۱۳۸۸)، «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دهم، ش ۴.
- روپسینگه، تومار (۱۳۷۹)، *مدرنیزاسیون و خشونت*، ترجمه‌ی اصغر افتخاری، تهران: سفیر.
- زاهد، سعید (۱۳۸۴)، هویت ملی ایرانیان، *راهبرد یاس*، سال اول، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۴.
- زهیری، علی رضا (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی و هویت ملی*، قم، انجمن معارف اسلامی ایران.
- ساکت محمد حسین (۱۳۸۳)، *زبان فارسی، پیام گذار اسلام و هویت ایران*، هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- صالحی، محمدعلی (۱۳۸۵)، *انقلاب اسلامی و مقوله هویت در دین و هویت*، تهران: تمدن ایرانی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *شیعه در اسلام*، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
- عبد... خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۲)، بررسی مبانی نظری و توانایی‌های گفتمان اصلاح طلبانه اسلام‌گرایان شیعی، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۱، پاییز.
- *قانون اساسی ج. ا. ا.* (۱۳۹۳)، تهران، انتشارات اخوان.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳)، *هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری*، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۵، شماره ۲.
- کچویان، حسین (۱۳۸۷)، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران*، تهران، نشر نی.
- کوشکی، محمدصادق (۱۳۹۱)، *هویت ایرانی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفته*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات معمار، رحمت‌الله (۱۳۷۸)؛ «سنجش گرایش به هویت تاریخی»، تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما،

- منتشر نشده
- معظم‌پور، اسماعیل (۱۳۸۶)، *ملیت و هویت*، روشنفکران ایرانی و هویت، تهران انتشارات تمدن ایرانی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *خدمات متقابل ایران و اسلام*، تهران، صدرا.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳)، *هویت ملی، رویکرد انتزاعی به خرده هویت‌ها، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران، موسسه مطالعات ملی.
- میرمحمدی، داود و ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)، *فضای مجازی و تحولات هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی*، سال سیزدهم شماره ۴.
- نظری، علی اشرف و بهاره سازمند (۱۳۸۷)، *گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۸)، *پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- همتی، ماندانا (۱۳۸۷)، *زبان و هویت فرهنگی*، به نقل از بهروز گرانپایه، *مجموعه فرهنگ و جامعه*، ش ۱.